

### متن پرسش

سلام علیکم: در پاسخ به پرسش ۲۷۴۱۵ قرمودید که نفس ناطقه بعلت معد بودن معلومات و معقولات خارجی، با نظر به دات اقدس حضرت حق، صورتی متناسب شکل بیرونی می سازد. یعنی چون ما می یابیم بحث پدیده های عالم بصورت معد و تجلی از حکمت حضرت حق و مرتبه ای از وجود هستند، خیال و صورت سازی خود را تادیب و مودب می کنیم تا در سیر ملکوتی قرار گیرد و موردی که در بحث کانت پیش آمد و شوپنهاور بعد از آن بدان دامن زد را بفهمیم و وجه تمایز اساسی در معد بودن و مرتبه ای از وجود بودن در عالمی که خالقش سرچشمه و اصل وجودست، محسوب می شود؟

### متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: در مباحث شریف «معرفت نفس» ابتدا روشن می شود صورت علمی محسوسات از نظر وجودی، در درجهی بالاتری از خود محسوسات که در مرتبهی عالم ماده هستند را می باشند. و از آن جایی که علت، باید از نظر وجودی بالاتر از معلول باشد، امکان ندارد صورت علمی موجودات، معلول صورت های محسوسه ای آنها باشد مگر آن که آنها در حدّ علت معدّه نفس را آماده کند تا صورت علمی محسوسات را از «واهب الصّور» دریافت نماید و بدین معنا که نفس باید آن صور را ابداع کند. موفق باشید